

پیدایش، گسترش و اهداف تروریسم تکفیری

□ محمد اسماعیل دانش *

چکیده

تروریسم تکفیری عنوانی است که به گروه‌های اسلامی که از حربه تکفیر برای مقابله با دشمنان و مخالفان خود در جهت اهداف دشمنان اسلام و استکبار جهانی استفاده می‌کند، اطلاق می‌شود. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافته است که علل پیدایش تروریسم تکفیری، تعصبات کورکورانه مذهبی و مسئله سیاسی و استعمار است. یکی از ریشه‌های پیدایش اندیشه تکفیر، جهل و نادانی است. امروزه نیز یکی از علل تکفیر در میان پیروان برخی از مذاهب اسلامی، جهل از مبانی اسلام است. عملیات‌های انتحاری، قتل و کشتن مسلمان توسط جاهلان صورت می‌گیرد و نمی‌دانند که هرکسی که شهادتین بر زبان جاری کند، مسلمان است. از جمله ریشه‌ها و عامل مهم بروز و ظهور تروریسم مسئله اقتصادی است. هر چند همه تروریست‌ها آدم‌های فقیری نبوده ولی معمولاً بیش‌ترین خشونت از سوی افرادی انجام می‌شود که به لحاظ اقتصادی-اجتماعی چندان وضعیت مناسب اقتصادی ندارند. وهابیت ریشه اصلی تروریسم امروزی است؛ زیرا وهابیت ریشه اعتقادی و بنیادین و مهم‌ترین ویژگی مشترک همه گروه‌های تروریستی و تکفیری است که امروزه در سوریه، پاکستان، افغانستان و دیگر نقاط جهان حملات تروریستی را اجرا می‌کنند. کتاب‌های دینی مدارس عربستان و مدارس دینی وابسته به رژیم سعودی در کشورهای دیگر، محتوا و مضامین خود را از کتاب معروف محمد بن عبدالوهاب مؤسس وهابیت به نام التوحید گرفته است. علل رشد و گسترش تروریسم تکفیری عبارت است از ظاهر گرایی و سوء استفاده از اعتقادات دینی؛ آمریکا و

* دکتری فلسفه و کلام دانشگاه تهران و پژوهشگر جامعه المصطفی ص ع ل ه ج العالمية

عربستان و همچنین حضور آمریکا در منطقه. اهداف تروریسم تکفیری اسلام هراسی، خشن نشان دادن چهره اسلام و مسلمانان و اسلام زدایی است. کلیدواژه‌ها: تروریسم، تکفیر، تروریسم تکفیری، پیدایش، علل.

طرح مسئله

تروریسم تکفیری عنوانی است که به گروه‌های اسلامی که از حربه تکفیر برای مقابله با دشمنان و مخالفان خود در جهت اهداف دشمنان اسلام و استکبار جهانی استفاده می‌کند، اطلاق می‌شود. گروه‌های تکفیری تروریسم عده‌ای از مسلمانانی است که به خاطر اعتقاد به سیره و اندیشه سلف و با استفاده از حربه تکفیر اقدام به قتل و کشتن مسلمانان بی‌گناه، تخریب منازل، مکان‌های مقدس و آثار فرهنگی و تاریخی با انجام انواع بمبگذاری‌ها و عملیات انتحاری در کشورهای اسلامی، می‌کنند و امروزه به صورت یک چالش مهم و مشکل اساسی در جهان اسلام تبدیل شده و باعث ایجاد خسارات جبران ناپذیر مادی، فرهنگی و معنوی برای جهان اسلام و جامعه بشری شده است. استکبار جهانی در یک رویکرد ستیز جویانه با اسلام، در تکاپو و تلاش است که آموزه‌های اسلام را خشن معرفی نماید و اسلام را از عرصه سیاست حذف کند؛ از این رو، به دنبال ایجاد اختلاف بین مسلمانان است و از شگردها و روش‌های گوناگون از جمله ایجاد فرقه‌های مختلف بین مسلمانان و از افرادی که برداشت‌های ظاهری و سطحی از دین اسلام دارند استفاده می‌کند. گروه‌های تروریسم تکفیری که همه اعضا و افرادشان مسلمان است و این مسلمانان توسط رهبران و سران گروهک‌های تکفیری اغفال شده‌اند و آموزه‌های دینی مانند آیات جهاد و... را برخلاف اسلام و بر ضدی دین براساس هوی و هوس تفسیر نموده و در خورد آن‌ها می‌دهند و برای آنان چنان تلقین و تبلیغ کرده و می‌کنند که گوش‌های آن‌ها از شنیدن سخن حق کر و عقل‌هایشان از کار افتاده‌اند که با شعار الله اکبر در برابر دوربین‌ها، برادر مسلمان خود را مانند حیوان ذبح می‌کنند و سرش را جدا می‌کنند و در شبکه‌های تلویزیونی و فضای مجازی منتشر می‌کنند و چهره اسلام و مسلمانان را در انظار جامعه جهانی خشن معرفی می‌کنند. دراصل با خشن نشان دادن آموزه‌های اسلام و مسلمانان، اسلام هراسی و اسلام زدایی را در دستور کار خود قرار داده است. اسلام دین رحمت،

مهربانی، صلح، برادری و برابری است. طبق آموزه‌های اسلام انسان از کرامت برخوردار است و هیچ مسلمانی حق ندارد انسان مسلمان را توهین، تحقیر و تکفیر کند. زن و مرد مسلمان حرمت و احترام دارد.

باتوجه به اینکه امروزه جریان تروریسم تکفیری در جهان اسلام در حال رشد و گسترش است و به نام سلفی‌گری اقدام به کشتار انسان‌ها می‌کند. اندیشه تکفیری با تکیه بر مبانی غیراسلامی، عقاید و آموزه‌های اسلام را به چالش جدی مواجه نموده است؛ ضرورت دارد عوامل پیدایش، رشد و اهداف تروریسم تکفیری، مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد. تکفیر در طول تاریخ وجود داشته و حوادث مهمی را رقم زده، رخدادهای سیاسی و اجتماعی بسیاری در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. باتوجه به مباحث ریشه‌های تکفیری در صدر اسلام و عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسئله خوارج که امام علی علیه السلام را تکفیر کرد چنین به دست می‌آید که مسئله تکفیر به صورت یک جریان در طول تاریخ مطرح بوده و تروریسم‌های تکفیری نیز امروزه با امکانات و تسلیحات جدید و شیوه‌های گوناگون انتحار، بمب‌گذاری در تجمعات، مراکز دینی و فرهنگی و... با پشتوانه‌های خارجی و شعارهای مذهبی جهان اسلام را با چالش‌های متعددی مواجه ساخته است. از این رو ریشه‌های پیدایش جریان تروریسم تکفیری و عواملی که موجب رشد و گسترش آن شده‌اند نیازمند پژوهش و بررسی دقیق است که در این مقاله مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

تروریسم

از نظر مفهومی دقیقاً مشخص نیست که تروریسم دقیقاً به چه معناست و به چه اشخاص و افرادی تروریسم اطلاق می‌شود؟ آیا شخصیت حقوقی دولت تروریست است یا شخصیت حقوقی گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی؟! و چنین ابهام مفهومی زمینه‌های سوء استفاده از تروریسم را فراهم نموده و موجب ناشناخته ماندن اکثر رفتارهای خشونت‌آمیز شده است. بنابراین ارائه تعریف جامع و قابل قبول برای تروریسم، ممکن نیست ولی اگر عناصر مشترک

در همه تعریف‌ها را مورد توجه و دقت قرار دهیم می‌شود تروریسم را به صورت کلی چنین تعریف کرد: تروریسم به معنای استفاده غیر قانونی از زور، خشونت و ایجاد وحشت و ترس سیستماتیک و سازمان یافته در برابر حکومت و یا مردم است که به منظور اهداف خاص سیاسی و نظیر آن، انجام می‌گردد. و همچنین به خط مشی گروه و یا سازمان و نهادی اطلاق می‌شود که به خاطر رسیدن به مقاصد مورد نظرشان، بین مردم و جامعه هراس ایجاد می‌کنند. تروریست به فرد و یا سازمان و گروهی استعمال می‌شود که برای رسیدن به اهداف سیاسی، ایدئوژیک و... به اعمال مجرمانه، مانند قتل و کشتن، بمب گذاری‌ها، ربودن هواپیما، انواع تهدید، مسدود نمودن مسیرها و راه‌ها، گروگان‌گیری افراد، حمله به اماکن عمومی، آتش افروزی و... جهت ایجاد هراس مختل کردن نظم و ایجاد نا امنی در میان مردم و یا در بین گروه خاصی متوسل می‌شوند.

بنابراین تروریسم استفاده غیر قانونی از زور و خشونت با ترس و وحشت فراگیر، مردم از آن متأثر و همراه است که علیه دولت و حاکمیت اعم از افراد یا اموال جهت نا کار آمد جلوه دادن دولت حاکم و رویگردانی مردم از آن و یا ایجاد نا کار آمدی یا اثبات نا کار آمدی دولت و با هدف ارعاب و یا اجبار دولت و جمعیت مردمی غیر نظامی در سطوح مختلف، جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود یا تحقق اهداف نا مشروع دیگری است که از طریق اعمالی مانند آدم ربایی، هواپیما ربایی، کشتار غیر نظامیان با اشکال فجیع و بمب گذاری و موارد مشابه صورت می‌گیرد. به علاوه این که آن‌ها با توسل به این اعمال غیر مجاز و خلاف قواعد صریح حقوق جنگ و بشر دوستانه و حقوق تعلیق نشدنی حقوق بشر، چون منع شکنجه، ممنوعیت سلب حیات، ممنوعیت حمله به اماکن غیر نظامی و کشتن غیر نظامیان و به خصوص زنان و کودکان، استفاده از آن‌ها به عنوان سپر انسانی و... به این اهداف نایل می‌آیند (رابرت بلدسو، ۱۳۷۵: ۲۰۱).

نکته بسیار قابل توجه می‌تواند در منشأ این قواعد باشد، بسیاری از سران تروریست‌ها بارها اذعان داشته‌اند که آن‌ها حقوق بین الملل را قبول نداشته و ندارند و مقررات آن‌را زائیده اعمال سیاست‌های کشورهای قدرتمند و مساوی با اعمال در جهت سلطه آن‌ها می‌دانند، حال آن‌که

این از روشن‌ترین مبانی حقوق بین‌الملل است که بسیاری از قواعد آن متوقف به اراده دولت‌ها نبوده و نیست، به عبارت دیگر عنصر وجود دهنده به این قواعد اراده صرف دولت‌ها نیست، قواعدی مانند التزام به حقوق اولیه بشری بدون هر معیاری و فقط برحسب انسان بودن، لزوم برخورد عطفانه با اسیر و کسانی که از صحنه مقابله نظامی و جنگ دور هستند، ددمنشی نسبت به بی‌گناهان، همگی ریشه در فطرت آدمی داشته و از داشتن اصالتی جدا از اراده بشریت و دولت‌ها حکایت دارد. اما با این وصف مدعیان مشروعیت تروریسم و اعمال و اهداف آن با وارونه جلوه دادن واقعیت و مغالطه، به بهانه‌های مختلف سعی در پیشبرد اهداف خود که همانا به دستگیری قدرت و غلبه بر نظم موجود و از بین بردن صلح و امنیت بین‌المللی که نتیجه اجرای قواعد و اصول بین‌الملل است و جایگزین نمودن نظامات مطلوب خود که ماهیتاً در تعارض با قواعد انسانی و الهی و قواعد حقوق بین‌الملل است، داشته و دارند (ملکم شاه، ۱۳۷۴: ۵۷). طبق تعریف موجود، عناصر اصلی تروریسم عبارتند از امور ذیل:

۱. استفاده از تهدیدات و ابزارهای خشونت‌زا و هراس افکن که جهت قانونی ندارد؛ جنبه‌های مختلف خشونت در اقدامات تروریستی وجود دارد مانند قتل، انتحار، انفجار، جرح و تخریب از ویژگی‌های اساسی اقدامات تروریستی است. البته مبارزات ملت‌های مظلوم و ستم دیده برای آزاد سازی سر زمین‌ها و کشورهای اشغال شده خویش، در زمره تروریسم، قلمداد نمی‌شود؛ زیرا طبق حقوق بین‌الملل، چنین مبارزات آرایخواه قانونی و مشروع می‌باشد.
۲. قصد ارباب همه مردم یا یک گروه خاص؛
۳. رسیدن به اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک؛
۴. سازمان یافته بودن اقدامات تروریستی.

تکفیر

۱. تکفیر در لغت

تکفیر مصدر از ماده «ک-ف-ر» به معنای نهمان کردن و پوشاندن است (احمدبن فارس، ۱۴۱۸: ۵، ۱۹۱). کفر در لغت به معنای پوشانیدن است؛ از این رو، در عربی به کشاورز، «کافر» گفته

می‌شود بخاطری که او دانه‌ها را با خاک می‌پوشاند. علت نام‌گذاری این است که کفر، پوشاننده حق است.

۲. تکفیر در اصطلاح

تکفیر در اصطلاح به معنای نسبت کفر دادن به دیگران است (فیروز آبادی، بی‌تا: ذیل واژه کفر). می‌نویسد: «تکفیر نسبت دادن شخصی به کفر و او را کافر به حساب آوردن است» (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). «حکم به بی‌دینی کسی دادن» (جان‌ل، ۱۳۸۸: ۲۴)، را تکفیر گویند. البته باید دانست که تکفیر به گرایش عده‌ای از سلفی‌های اطلاق می‌گردد که به غیر از موافقان خود یعنی مخالفان را کافر، مشرک و منافق می‌شمارند. آنان مسیحیان و یهودیان کافر، شیعیان ر مشرک و پیروان اهل سنت که مخالف مرام و مسلک ایشان هستند را منافق قلمداد می‌کنند (سیامک باقری، شماره ۱۱، ۱۳۹۳: ۳۱). بنابراین تکفیر به معنای شهادت دادن به کفر کسی و یا کسانی است که قبل از این، مسلمان بوده‌اند و به عنوان مسلمان از اعضای امت بزرگ اسلامی شمرده می‌شوند. با توجه به این‌که چنین رفتار و نسبت‌های تکفیر به مسلمان پیامدها و عواقب شوم و خطرناکی را در پی دارد و چه بسا ممکن است باعث دوری تکفیرشدگان از جامعه اسلامی گردد؛ از این رو براساس آموزه‌های دینی جایز نیست که به راحتی به کسی نسبت تکفیر داده شود و موجب دوری و طرد او، از جامعه اسلامی گردد. طبق آموزه‌های دینی کسی حق ندارد به راحتی بدون ملاک و معیار کسی را تکفیر کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هرکسی نسبت کفر به کسی بدهد که مشخصات کفر را ندارد، خودش کافر است» (محمدبن اسماعیل، ۱۴۰۷: ۵، ۱۱۱).

تروریسم تکفیری

تروریسم تکفیری عبارت است از گروه‌های اسلامی که از حربه تکفیر برای مقابله با دشمنان و مخالفان در جهت اهداف استکبار جهانی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر گروه‌های تکفیری، عده‌ای از مسلمانانی است که به خاطر اعتقاد به سیره و اندیشه سلف و با استفاده از حربه تکفیر اقدام به قتل و کشتن ده‌ها انسان بی‌گناه با انجام انواع عملیات انتحاری در کشورهای اسلامی، می‌کند.

ریشه‌ها و مبنای شکل‌گیری

ریشه‌های و مبنای شکل‌گیری تکفیر در عصر کنونی، بازگشت به صدر اسلام دارد. یعنی فتنه تکفیر به همراه اباحه خون، مال و ناموس در تاریخ اسلام، در صدر اسلام بوده و بیش‌تر با خوارج آغاز می‌شود، بر بهاری در قرن چهارم براساس این مبنا، خون و مال مسلمانان را مباح می‌شمارد و به کشتار و غارت اموال مسلمانان می‌پردازد. در عصر حاضر نیز، وهابیت و گروه‌های افراطی سلفی تحت حمایت وهابیت افراطی چنین رویکردی را در پیش دارند و براساس آن، تیغ تکفیر را در حوزه نظر و عمل بر پیکر مسلمانان فرود می‌آورند. هرچند در نظر و دیدگاه، این نوع تروریسم از اندیشه‌های ابن تیمیه نشأت گرفته، از نظر شکل عملی آن می‌توان ریشه‌های این تروریسم تکفیری را به موفقیت فرقه وهابیت در تشکیل حکومت آل سعود در شبه جزیره عربستان در اوایل قرن بیستم رساند که با کمک و پشتیبانی مؤثر انگلستان توانست امپراتوری عثمانی را وادار به خروج از شبه جزیره عربستان نماید و در نهایت، منجر به فروپاشی امپراتوری عثمانی گردد. اقدامات و فعالیت‌های تروریستی که امروزه توسط گروه‌های تروریستی مختلف در سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان و سایر کشورهای اسلامی، انجام می‌شود، بیش‌تر با پشتوانه فکری سلفی تکفیری و وهابیت است و عوامل گوناگونی دیگری نیز دارد که به صورت مختصر ذکر می‌شود.

۱. تعصبات مذهبی و احادیث جعلی

از جمله ریشه‌های تروریسم تکفیری تعصبات کور کورانه مذهبی و برتری دینی است. پیروان متعصب و یا افراط‌گرایان ادیان مختلف با قرائت‌های گوناگون از ادیان باعث شکل‌گیری تروریسم شده است. افراط‌گرایان با اعتقاد به نابرابری مذاهب و برتری بینی مذهب خود نسبت به مذاهب دیگر، در صدد رد کردن مذاهب دیگر بر آمده و کم‌کم حالت دشمنی و کینه‌توزی را نسبت به طرفداران مذاهب دیگر در درون خود ایجاد نموده و در مواردی تعصبات مذهبی موجب رعب و وحشت برای طرف مقابل شده است. گاهی برخی از حکومت‌های مستبد از تعصبات دینی و مذهبی مردم، برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی خود علیه پیروان

دین و مذهب دیگر سوء استفاده نموده است. حتی این عمل حکومت‌ها می‌تواند در بین یک امت که به یک دین مشترك اعتقاد دارند ولی دارای مذاهب مختلفی هستند، صورت گرفته است. چنان که در دین اسلام اختلاف بین شیعه و سنی از سوی خائنین صورت گرفته و سبب سوء استفاده برخی از قدرت‌ها جهت محکوم کردن دین دیگر یا مذهبی شده است. به عبارت دیگر تفکرات ارتجاعی دسته‌ای از اقتدارگرایان بیش از آن که چالشی برای زمامداران دیگر کشورها و قدرت‌ها ایجاد نماید، فرصتی را برای ضد مذهبیون فراهم می‌سازد تا نشان دهند که مذهب یک عامل مهم تروریستی است. در مقابل بسیاری از علمای دینی اظهار می‌کند که مذهب و دین به ندرت ریشه تروریستی دارد؛ زیرا هدف ادیان، ایجاد جهانی بهتر برای بشریت و رفع مشکلات و مسائل اجتماعی آن‌ها است. دین ابزار هویت و عامل همبستگی بین سرزمین‌های مختلف است. از این رو نمی‌توان دین و مذهب را منشأ خشونت و تروریسم دانست بلکه تفسیر غلط و ابزاری از دین و مذهب است که خشونت نا متعارف را گسترش می‌دهد (کریمی باشکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۴). بنابراین تا قبل از دهه هشتاد تروریسم مذهبی کم‌تر مطرح بوده است ولی از این زمان به بعد بسیاری از اعمال خشونت و تروریستی رنگ و بوی مذهبی پیدا کردند. در این مقطع اعمال تروریستی که بیش‌تر در جهان سوم روی می‌داد، تحت تأثیر مذهب قرار گرفت و گروه‌های مذهبی تندرو مانند طالبان، القاعده، داعش و... رشد چشمگیری کردند (نوروز کارگری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). تعصب نابجا یکی از ضعف‌ها و انحراف‌های اخلاقی است که تأثیر زیادی در تکفیر پیروان مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر داشته است. منظور از تعصب مذموم تعصبی است که در راه ستم یا عقیده باطل، از فامیل یا دوست حمایت شود، اما تعصب در راه حق و طرفداری از عقاید صحیح و حمایت اهل حق، پسندیده و گاهی واجب و لازم است؛ بنابراین اگر تعصب در راه حق و اهل حق نباشد و در راه حمایت از مرام و مسلک حزبی، گروهی و مذهبی باشد، مذموم است. امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه می‌فرمود: آتش عصبیت و کینه‌های جاهلی را در دل‌های خود خاموش کنید (سید رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۹۴). نمونه از تعصب در کلمات ابن تیمیه در باره شیعیان است که روح تعصب مذهبی در آن موج می‌زند. وی عمر بن سعد را که لشکریان او امام حسین علیه السلام را کشتند، نه تنها

از نظر معصیت و گناه کمتر از مختار ثقفی که از قاتلان امام انتقام گرفت می‌داند، بلکه مختار را دروغ‌گوتر و گناه کار تر از عمر بن سعد نامیده است. به تعبیر ابن تیمیه، مختار شیعی از عمر سعد ناصبی بدتر است؛ حتی حجاج بن یوسف را بهتر از مختار می‌داند و می‌گوید: حجاج ظالم بود و خون ریزی کرد، در حالی که مختار کذاب بود و ادعای نبوت کرد و این گناه، بزرگ‌تر از قتل نفوس می‌باشد و کفر است (احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۰۶: ۲، ۷۱-۷۰).

البته اصل مذهب موجب پیدایش گروه‌های تکفیری نشده است، تروریسم بیش تر وابسته به موقعیت است. مذهب مورد سوء استفاده قرار گرفت. جورگنسمیر (Juergensmeyer) (۲۰۰۵) در پژوهشی که انجام داده به این نتیجه رسیده است که مذهب به خودی خود به خشونت منجر نمی‌شود. تن‌ها زمانی که مذهب با جنبش‌های مربوط به تغییرات اجتماعی یا سیاسی که از آن‌ها هنجارهای به‌کارگیری خشونت برداشت می‌شود، همراه می‌شود، به خشونت می‌انجامد (Mark Juergensmeyer, Religion in addressing the causes of ' Terroris m, the club de Madrid' 2005' 17).

رهبران گروه‌های تروریستی، از گرایش‌های مذهبی کسانی که آمادگی دست زدن به رفتارهای خشونت آمیز دارند، بهره‌گیری و رفتارهای تروریستی را با نام دین توجیه می‌کنند. پیروان دین‌های گوناگون نیز با بررسی آموزه‌های سنتی ادیان خود، می‌توانند آموزه‌های غیرخشونت آمیز ادیان را دریابند. (Al - Khattar, M. Aref, Religion and Terrorism: . An interfaith perspective, Greenwood Publishing Group, CA '2003' 17).

هم‌چنین ریشه بروز اندیشه تکفیری، احادیث جعلی یا کج فهمی احادیثی معتبر است. حدیث به عنوان دلیل شرعی پس از قرآن، برترین منبع برای دستیابی به مقاصد شریعت است (ربانی، ۱۳۸۳: ۹). در باره احادیث دو نکته مهم است؛ اول این که نگاه‌های متفاوت درباره مدالیل احادیث مورد توجه باشد و نشان داده شود که این تفاوت‌ها چگونه در نتیجه گیری‌های متفاوت نقش دارد و همه نگاه به تکفیر ختم نمی‌شود مانند احادیثی که برخی از مشایخ اخباری با استناد به آن‌ها بر کفر مخالفان استناد نموده‌اند (بحرانی، ۱۳۷۸: ۵، ۱۸۳). دوم این که اگر حدیثی از هر دو جهت تام و تمام باشد، می‌تواند مستند تکفیر واقع شود، اما اگر از یکی از دو جهت

اشکال داشته باشد باعث کج فهمی است و ممکن است مجعول باشد. شک در باره دلالت چنین احادیث، موجب می‌شود تا مسأله به قواعد کلی این باب ارجاع گردد. مسلماً اصل در تکفیر، احتیاط و خود داری از تکفیر است. مسئله جعل حدیث از سوی صاحب نظران در علوم حدیث یاد آوری شده است (شانه چی، بی تا: ۱۸ و ۹۳). طبق اعتقاد برخی جعل احادیث دروغین، یکی از اقدامات جریان سیاسی حاکمان پس از پیامبر ﷺ به ویژه در دوران بنی امیه برای تحکیم سلطه خود بوده و در این راستا احادیث جعلی و واهی در قدح شخصیت حضرت علی علیه السلام نیز خلق شد و چهره‌ای نامناسب از حضرت به نمایش گذاشتند (فتحلی، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

۲. مسئله سیاسی و استعمار

یکی از ریشه‌های پیدایش تروریسم تکفیری مسئله سیاسی و استعمار است. وهابیت توسط انگلیس تأسیس شد؛ در سال ۱۷۱۰ م، وزارت مستعمره انگلس تعداد ۱۰ نفر از بهترین جاسوسان تربیت شده خود را به مصر، عراق، ایران، عربستان و ترکیه جهت رسیدن به اهداف استعماری اعزام کرد. از جمله مستر همفر به آستانه (ترکیه امروزی و دولت عثمانی آن زمان) اعزام شد و در آنجا بنام محمد با عالمی مسن از اهل سنت حنفی مذهب آشنا شده و نزد وی در مدت ۲ سال با زبان‌های ترکی و عربی آشنا می‌شود و قرآن و بسیاری از تعلیمات دین اسلام را فرا می‌گیرد و پس از مدتی به لندن باز می‌گردد و با آموزش یک دوره ۶ ماهه و آگاهی از اسرار و نقاط ضعف و قوت اسلام و مسلمین این بار به بصره عراق اعزام می‌شود که با محمد بن عبدالوهاب مواجه گشت و با تربیت و شستشوی مغزی او، موفق به تأسیس مذهب و وهابیت در راستای اهداف استعماری انگلس شد (http://www.ummah.net/Al_adaab/spy1-7.html).

در قرن ۱۲ با ظهور محمدبن عبدالوهاب در منطقه نجد، اندیشه تکفیر، از حوزه نظر به مرحله عمل تبدیل شد. در این مرحله محمدبن عبدالوهاب واژه‌هایی مانند شرک، کفر و... را به سادگی در باره مسلمانان به کاربرد و خون، مال و ناموس آنان را مباح شمرد. در دوره‌های بعد نیز پیروان وی با تکیه بر دیدگاه‌های افراطی او و با کمک آل سعود و انگلستان، روش وی را هم چنان ادامه می‌دهند (علیزاده، ۱۳۹۱: ج ۲، ۳۱۵). در طول تاریخ هیچ گروه و شخصی مانند

محمد بن عبد الوهاب مسلمانان را تکفیر نکرده است. تمامی کتاب‌ها و رساله‌های اعتقادی وی، لبریز از تکفیر نه فقط عوام مسلمانان، بلکه علمای اسلامی است. محمد بن عبد الوهاب در تکفیر، حتی به مبانی ابن تیمیه نیز وفادار نماند و خون و مال و ناموس مسلمانان را مباح شمرد (همان). مبنای محمد بن عبد الوهاب برای تکفیر مسلمانان نوعی قرائت وی از مفهوم توحید است. در کتاب کشف الشبهات می‌گوید: «لا خلاف ان التوحید لابد ان یکون بالقلب و اللسان و العمل، فان اختل شی من هذا لم یکن الرجل مسلماً؛ خلافتی نیست که توحید باید به قلب، زبان و عمل باشد؛ و اگر خللی در هر یک از این‌ها وارد شود، انسان مسلمان نیست» (محمد بن عبد الوهاب، بی‌تا: ۵۱). به عقیده و هابیان توحیدی که پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند، توحید الوهی (عبادی) است (علیزاده، پیشین، فصل نهم). اموری مانند توسل، زیارت، طلب شفاعت از اولیای الهی و سفر برای زیارت را مصداق عبادت نمی‌دانند و انجام آن‌ها را موجب خروج از دین و ارتداد مسلمانان می‌شمارند. محمد بن عبد الوهاب، مسلمانان را به خاطر انجام این اعمال کافر می‌شمارد در حالی که آنان اهل نماز، روزه، حج و عبادتند و خدا را پرستش می‌کنند. وهابیت معتقدند که اقرار به شهادتین فائده‌ای ندارد و مانع تکفیر نیست (ابویوسف، ۱۴۲۷: ۳، ۱۹)، محترم بودن خون و مال، صرفاً با انعقاد به توحید، التزام به احکام آن، دوری از شرک، و برائت از مشرکان امکان‌پذیر است (همان).

علاوه بر نقش استعمار در پیدایش گروهک وهابیت رافضی خواندن شیعیان و متهم کردن آنان به رفض بیش‌تر ریشه‌ای سیاسی دارد. «رفض» یک اصطلاح برای تکفیر شیعیان و دور ساختن آنان از صحنه سیاسی و اجتماعی است و مبنای شرعی و فقهی صحیحی ندارد (سبحانی، ۱۴۰۸: ۱، ۱۱۸-۱۱۴). امروزه نیز پاره‌ای از تکفیرها که توسط گروه‌های تکفیری انجام می‌شود، از این قبیل است. برخی گفته‌اند که مطامع قدرت‌های حاکم و سلطه‌گر برای تحکیم حاکمیت و حفظ سلطه خود در کشورهای اسلامی از راه ایجاد جو تکفیر، قابل تأمل است و بسیاری از کسانی که مانع آن‌ها شده‌اند، به دست برخی از مفتیان و یا پیروان مذاهب اسلامی تکفیر گردیده‌اند (مجید صفاتا، ۱۳۸۰: ۹۱). قدرت‌های استعمارگر برای تثبیت و تحکیم سلطه استعماری خود بر کشورهای اسلامی و بردن ثروت‌های مادی و معنوی آنان، از هرگونه

تلاش کوتاهی نکرده و نمی‌کنند و همواره با موانع روبرو بوده و در هیچ کشوری تاکنون کاملاً موفق به غارت منابع مالی و انسانی کشورها نشده‌اند (همان).

۳. جهل و نادانی

یکی از ریشه‌های پیدایش اندیشه تکفیر، جهل و نادانی است. جهل ضدی علم و در لغت به معنای ندانستن است (فیروز آبادی، بی تا: ۳، ۳۵۳). قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هشدار می‌دهد که از جاهلان نباشد (انعام/ ۳۵). در آیات دیگر، واژه جهالت در باره کسی به کار رفته که به خاطر نادانی کار ناشایستی انجام داده است (نسا/ ۱۷؛ انعام/ ۵۴). در روایات جهل به مثابه وصف منفی در برابر عقل و به عنوان شدیدترین نوع فقر، دشمن آدمیان، خواری و ظلمت معرفی شده است (خالدبرقی، ۱۳۳۰: ۱، ۱۹۴). جهل مردم در صدر اسلام، موجب بروز حوادث ناگوار شد که یکی از علل دو واقعه مهم مسئله ارتداد و خوارج جهل و نادانی مردم بود که منجر به تکفیر آنان گردید (جعفریان، ۱۳۷۷: ۲، ۲۸ و ۳۱۰).

امروزه نیز یکی از علل تکفیر در میان پیروان برخی از مذاهب اسلامی، جهل از مبانی اسلام است. عملیات‌های انتحاری، قتل و کشتن مسلمان توسط جاهلان صورت می‌گیرد و نمی‌دانند که هرکسی که شهادتین بر زبان جاری کند، مسلمان است. ناآگاهی از عوامل گسترش دشمنی بین توده‌های جامعه است. جهل و نادانی موجب می‌شود هرکسی غیر هم کیش و غیر هم عقیده خود را تکفیر کرده و حکم به قتل او نماید. ابوحامد غزالی تصریح می‌کند: «و المبادرة إلى التکفیر انما تغلب علی طباع من یغلب علیهم الجهل؛ و مبادرت ورزیدن به تکفیر غلبه بر طبع‌هایی دارد که جهل بر آن‌ها حاکم است» (غزالی، ۱۴۰۷: ۹۰). نیز می‌گوید: «هرگاه مشاهده کردی فقیهی را که بضاعتش فقط فقه است و در تکفیر و نسبت گمراهی دادن [به مردم] فرو رفته از او اعراض کن، و قلب و زبان را به آن مشغول نکن؛ زیرا مبارزه طلبی با علوم غریزی طبع است و جاهلان بر آن صبر ندارند، و بدین جهت است که اختلاف بین مردم بسیار است» (همان).

از منظر محمد بن علوی مالکی

از بزرگ ترین فتنه ها که ما به آن مبتلا شده ایم از کسانی است که ادعای سلفی گری دارند، در حالی که آنان دورترین مردم از حقایق و آداب سلفیت هستند، چیزی است که امروزه در جامعه از کتاب ها و سخنرانی ها ظاهر شده و مردم را که اکثر آنها عوام اند به خود مشغول کرده است، و آنان را به مباحثی مشکل و مشکلاتی در عقیده مشغول ساخته اند، مباحثی که قدم ها در آن به لغزش افتاده و فهم ها در آن گمراه شده و به جز پیشوایان بلندقدر در آن ثابت قدم نبوده اند... (علوی مالکی، بی تا: ۵۲)

و نیز گفته است:

اشتغال عوام به مسائل عقیده علمی، که احتیاج به اهلیت دارد از بزرگ ترین آفات است، و از جمله اموری است که فتنه ها را بر می انگیزاند، پس دفع آنها و منعشان [از وارد شدن در این امور] واجب می باشد... علما گفته اند: مقصود به عوام فقط بازاری ها و افراد ساده از عموم مردم نیست، بلکه در معنای عوام است ادیب و نحوی و فیلسوف و متکلم، بلکه هر عالمی، غیر از کسانی که در دریا های معرفت و علم غوطه ور شده و به تجرد رسیده و عمر خود را در آن صرف کرده اند و روی خود را از دنیا و شهوات برگردانده، و از مال و جاه و خلق و دیگر لذت ها اعراض نموده و در علوم و اعمال اخلاص برای خداوند متعال داشته و به تمام حدود شریعت و آداب آن در قیام به طاعات و ترک منکرات قیام نموده، و قلوب خود را به طور کلی از غیر خدا فارغ کرده، و دنیا بلکه آخرت را در کنار محبت خداوند متعال حقیر دانسته اند. این ها همان اهل معرفت و اهلیتند، ولی آنان در عین حال و با تمام آنچه درباره آنان گفته شد در برابر خطر بزرگی هستند که از هر ده نفر نه نفر هلاک می شوند و فقط یک نفر از آنها به جهت معرفت و فقه و دین و فتح آشکاری که برای او می شود به سعادت می رسد (همان، ۵۴).

۴. مشکلات اقتصادی

یکی از ریشه ها و عامل مهم بروز و ظهور تروریسم مسئله اقتصادی است. هر چند همه تروریست ها آدم های فقیری نبوده ولی معمولاً بیشترین خشونت از سوی افرادی انجام می شود که به لحاظ اقتصادی-اجتماعی چندان وضعیت مناسبی ندارند. فقر مالی شدید

همواره موجب نابسامانی بوده و به عنوان یک عنصر مهم در شکل‌گیری خشونت و تروریسم، نقش داشته است. بیکاری، تورم، مشکل مسکن، تنزل سطح زندگی و یا عدم تناسب سطح دستمزدها با قیمت‌ها می‌تواند برخی از افراد را بسوی خشونت و تروریسم بکشاند تا بدین وسیله اوضاع وخیم اقتصادی - اجتماعی پیرامون خود را مطرح کنند (محمودالمندلاوی، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۹۷). شتاب در روند جهانی شدن، مسائل گوناگونی مانند اقتصاد را نیز شامل می‌شود و موجب مشکلات اقتصاد کشورهای در حال توسعه گردیده است. اختلاف فراوانی در اردوگاه غنی و فقیر شکافی عمیق و هولناکی را بین ملل ثروتمند و فقیر ایجاد کرده و آن را به بحرانی تبدیل کرده است که روز به روز بر شدت آن افزوده و در برخی از نقاط به مرحله انفجار رسیده است. این بحران می‌تواند برخی از افراد را به سوی انتقام‌گیری، خشونت، خراب کاری و اغتشاش سوق دهد و موجبات ترس و رعب و وحشت در میان دیگر شهروندان گردد (همان، ۲۰۱-۱۹۷).

مسئله دگرگونی‌های اقتصادی شرایطی را به وجود می‌آورد که به بی‌ثباتی و حرکت‌های تند منجر می‌شود و بیش‌ترین عمل‌های تند از اعضای گروه‌های تروریستی، بیش‌تر از میان جوانانی است که در تنگناهای اقتصادی و فقر مالی به سر می‌برند (مقصودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹). براین اساس سرخوردگی برخی از افراد در جامعه که نتوانسته‌اند به خوبی پله‌های ترقی را در جامعه طی و به جایگاه قابل قبولی برسند، نیز عامل مهمی است که فرد را متمایل به اقدامات خشن و تروریستی می‌کند. به عبارت دیگر، بیکاری و عدم جذب در جامعه باعث سرخوردگی فرد شده و در برخی از موارد او بسوی تروریسم متمایل می‌شود. خشونت‌های پاریس (نوامبر ۲۰۱۵) نشان داد که مجریان این عملیات اکثر افرادی بودند که در جامعه لائیک موجود در فرانسه و بلژیک نتوانسته بودند جذب و به خوبی پله‌های ترقی این جوامع را طی نمایند در نتیجه گرفتار نوعی سرخوردگی شدند و جذب داعش شدند.

از منظر رائل کارسو و فریدریش اشناپدر، ریشه و زمینه ساز تروریسم اولاً: فقر و فرصت‌های نابرابر است. فقرا هزینه فرصت کمی دارند؛ از این رو به راحتی به سوی اقدامات تروریستی جذب شده و رو می‌آورند. موضوع هزینه فرصت یکی از مهم‌ترین

موضوعات در تحلیل‌های اقتصادی تروریسم است و به گسترش فرصت‌های برابر در رفع فقر در همه جوامع به ویژه کشورهای بسیار فقیر مربوط می‌شود. هرچه دسترسی همگان به آموزش، سلامت و حقوق شهروندی برابر بیشتر باشد، روی آوردن به اقدامات تروریستی و روگرداندن از این شرایط سخت تر خواهد بود و در نتیجه، اقدامات تروریستی کاهش می‌یابد. کارسو و اشنایدر معتقدند که تروریسم با ساماندهی و جذب نیرو از میان این فقرا قدرت مییابد. ثانیاً: دامن زدن به نارضایتی‌ها و سوار شدن بر موج اعتراضات از شرایط دیگر مناسب برای تقویت اقدامات تروریستی شمرده می‌شود (<http://www.eghtesadrooz.com/fa/doc/news/31>؛ ۱۳۹۴).

۵. وهابیت ریشه اصلی تروریسم امروزی

طبق تحلیل خبرگزاری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (<http://www.iribnews.ir>)؛ وهابیت ریشه اعتقادی و بنیادین و مهم‌ترین ویژگی مشترک همه گروه‌های تروریستی و تکفیری است که امروزه در سوریه، پاکستان، افغانستان و دیگر نقاط جهان حملات تروریستی را اجرا می‌کنند. کتاب‌های دینی مدارس عربستان و مدارس دینی وابسته به رژیم سعودی در کشورهای دیگر، محتوا و مضامین خود را از کتاب معروف محمد بن عبدالوهاب مؤسس وهابیت به نام التوحید گرفته است. این کتاب تمام مذاهب اسلامی مخالف وهابیت را به شرک و کفر متهم می‌کند. بر اساس آموزه‌های وهابیت ۶۰ درصد کودکان سعودی قابلیت غرق شدن در چاه‌های تاریک تروریسم را به سبب تاثیرپذیری از مبلغان تکفیری‌ها دارند که فناوری‌های نوین را برای اهداف خود به خدمت گرفته‌اند. در این باره یک پژوهش و نظرسنجی از سوی عبدالمجید بن عبدالله الغامدی مشاور آموزشی و مدیر سابق مدارس ریاض انجام شده است و نشان می‌دهد کودکان سعودی از آغاز ورود به مدرسه، با مفاهیم و عقاید خطرناک آشنا می‌شوند و سپس به توزیع احکام کفر علیه کسانی که مخالف وهابیت هستند، دست می‌زنند.

شیوه‌های آموزشی وهابی در عربستان بر پایه اصول و عقاید افراطی بنا شده، اصول و عقایدی که در تناقض آشکار با احادیث نبوی ﷺ است. طرفداران این تفکر زیارت قبور، ساخت ضریح

و حرم برای قبور انبیاء و اولیای الهی، طلب شفاعت و تقرب به خداوند از طریق نذر و نیاز، برپایی و احیای مناسبت‌های دینی، برگزاری مراسم عزاداری، و اطعام را شرک و کفر و مجوزی برای تکفیر می‌دانند. نظام آموزشی در مدارس عربستان یعنی هجمه به اعتقادات پیروان مذاهب اسلامی دیگر از طریق به بازی گرفتن و تحریف متون دینی است. این نظام آموزشی قتل و سربردن هر کس را که مخالف وهابیت باشد و غارت و چپال اموال و هتک حرمت نوامیس آن‌ها را تحت عناوین شرک و تکفیر و ادعای اطاعت از ولی امر مجاز دانسته است.

امروزه وهابیت صرفاً به ابزاری در اختیار آل سعود برای توجیه و مشروعیت بخشی دینی به حکومت و اقدامات ضد اسلامی و ضد بشری این رژیم تبدیل شده و مشکلات و مصایب و گرفتاری‌های بی‌شماری برای تمام مسلمانان در جهان و حتی جوانان و مردم این کشور درست کرده است، به گونه‌ای که حتی نخبگان و دانشگاهیان و بخش‌های وسیعی از جامعه عربستان هم به این نتیجه رسیده‌اند که اقدامات تروریستی در کشورشان نتیجه افکار مبتنی بر تکفیر و ریختن خون هر کسی است که به عقاید وهابی پادشاهی آل سعود ایمان نداشته باشد. روزنامه الاخبار لبنان اخیراً در این زمینه نوشته بود اگر می‌خواهید ریشه‌های تکفیر در عربستان را خشک کنید، باید به سراغ شیوه‌های آموزشی این کشور بروید. در این مطلب آمده است تعداد مدارس سعودی بر اساس آمار رسمی، حدود ۳۵ هزار مدرسه اعلام شده است و علاوه بر آن باید به مدارس و مراکز سعودی در کشورهای عربی، آسیایی و غربی اشاره کرد که همه این مراکز شیوه‌های آموزشی سعودی به ویژه شیوه‌های دینی را در پیش گرفته‌اند که آل سعود تمایل دارد آن را از مقررات اساسی مقدس در نظام آموزشی خود از باب تمایل برای تکوین بذر ایمان در نسل‌های جدید قلمداد کند، بذرهایی که بسیاری بر این باورند که به تربیت انتحاری‌ها، ویرانگری و کشتار در منطقه ما منجر شده است.

مؤسسه آمریکایی فریدم هاوس هم در این زمینه در گزارشی تاکید کرده بود که کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌های سعودی، نفرت و دشمنی نسبت به کسانی را که مخالف آموزه‌های وهابیت هستند چه مسلمانان یا پیروان ادیان دیگر تشویق و تحریک می‌کند. به نظر می‌رسد که اندیشه وهابی‌گری تن‌ها یک پوشش دینی برای توجیه سیطره خشن آل سعود بر سرزمین

مقدس وحی و فریب جهان اسلام و چاه‌های نفتی این کشور است و ایجاد صلح و آرامش در خاورمیانه و مبارزه جدی با تروریسم فقط پس از بستن مدارس آموزش اصول و شیوه‌های افراط‌گرایی در عربستان ممکن است. عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس در ۱۷ سال گذشته، از دلارهای نفتی برای ترویج افراط‌گرایی مذهبی در کشورهای مانند کوزوو، البانی، بالکان، بوسنی، بورکینافاسو و نیجر در غرب آفریقا بهره‌برداری کرده‌اند. این امر سبب شده افراط‌گرایی مذهبی در سرزمین‌هایی که به مدارایی مذهبی شهره بودند ترویج شود. دولت کوزوو اخیراً اعلام کرده است ۳۰۰ نفر از اتباع پیرو تفکر افراطی وهابی در این کشور، برای مبارزه در کنار داعش به سوریه یا عراق رفته‌اند (همان).

علل رشد و گسترش تروریسم تکفیری

با سیر گذرا به رویدادهای تروریستی در طول تاریخ به این نتیجه می‌توان دست‌یابید که تروریسم به عنوان یک خشونت تن‌ها توسط گروه‌های مذهبی اعمال نمی‌شود. پدیده شوم و خشن تروریسم منحصر به منطقه خاور میانه و جهان اسلام نیز نبوده و نیست بلکه در مناطق دیگری این جهان نیز اقدامات تروریستی به شکل‌های و شیوه‌های گوناگون وجود داشته‌اند و فراوان دیده شده است. تروریسم به عنوان یک روش که همواره مدعیان قدرت از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده امروزه بیش از همه زمان‌ها جهان اسلام را ناامن نموده و به مخاطره جدی قرار داده است و در قالب گروه‌های مذهبی و دینی، در کشورهای اسلامی گسترش و توسعه پیدا کرده است. علل رشد و گسترش تروریسم تکفیری فراوان است و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. ظاهر گرایی و سوء استفاده از اعتقادات دینی

ظاهرگرایی و استفاده سوء از اعتقادات دینی، به عنوان یک علت، نقش مهم در رشد و گسترش تروریسم تکفیری داشته است. ظاهر گرایی که توسط احمد بن حنبل شروع شد، سپس توسط اشاعره ادامه پیدا کرد و در قرن هشتم ابن تیمیه با اعتقادی چون انکار توسل، شفاعت و ... و تکفیر و آزار و اذیت مسلمانان ظاهر شد و در زمان‌های بعد از او پیروانش مانند محمد بن

عبدالوهاب و علمای وهابی به انتشار عقاید او پرداختند، ابن تیمیه با احیای نقل‌گرایی و توسعه ظاهرگرایی و استفاده سوء از آموزه‌ها و باورهای دینی، موفق شد شیوه‌ای را در مقابل عقل‌گرایان ایجاد نماید و معرفت‌شناسی سلفیه را به سمت ظاهرگرایی، جهت دهد. روش ابن تیمیه در باره معناشناسی صفات خبریه خداوند که ظاهرگرایی است (ابن تیمیه، ۱۹۹۵: ۵، ۱۱۴)، موجب شد قائلان به تشبیه و تجسیم، پیداشود؛ از این رو امروزه برخی از علمای وهابی بر ظاهرگرایی و تجسیم در صفات خداوند تأکید دارند (ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۱، ۱۱۵ و ۵۸۴). ابن تیمیه عقل‌گرایان را محکوم نمود و فیلسوفان و منطقیین را مشرک خواند (ابن تیمیه، ۱۴۱۷: ۲، ۵۰۷)؛

ابن تیمیه عقل را فقط یک خدمت‌گزار در محدوده قرآن و سنت معرفی کرد و اجازه ورود به محدوده دین و فراتر از آن را به صورت مستقل نداد ابن تیمیه، ۱۴۱۱: ۳، ۱۵۱. ظاهرگرایی علاوه بر مزوی ساختن عقل و مخالفت با منطوق، نقش مخرب بر آثار فقهی در طول تاریخ داشته و باعث برداشت‌های خشک و ساده‌انگارانه و در عین حال متعصب‌گرایانه نسبت به فهم دین شد، و زمینه را برای گسترش جریان‌های تکفیری به وجود آورد، صالح السریه رهبر گروه جهادی «الفنیة العسکریه»^۱ بسیار شفاف به ظاهرگرایی در آیه‌های قرآن حتی در آیات متشابه تصریح نموده و روش صحابه را نیز چنین می‌داند و تفکر در این آیات را مخصوص علمای عصر حاضر می‌داند (رفعت، ۱۹۹۱: ۳۴). شکر می‌داند^۲ به جهت معنای ظاهری روایات منقول از پیامبر ﷺ که حاکی از کاربرد شمشیر در جنگ بین مومنان و کفار است معتقد به تبعیت از سلف صالح، در امور اعتقادی و نظامی است و با کنایه به ابزارهای جدید جنگی، تلاش دارد اثبات کند که طبق سخن پیامبر ﷺ مؤمنان باید در جنگ‌ها از ابزارهای ابتدایی استفاده کنند همان، ۱۲۹-۱۳۱) و امروزه نیز فرماندهان و مقامات ارشد گروه‌های تکفیری با سوء استفاده از روش ظاهرگرایی، اشخاص بسیاری را به بهانه دیدن خداوند و رسیدن به بهشت وادار به جهاد می‌کنند.^۳

۲. آمریکا عامل گسترش تروریسم تکفیری

براساس باور «کیندلبرگر» برای این‌که دنیا ثبات داشته باشد، باید ثبات دهنده وجود داشته باشد. باید توجه داشت که هدف اولیه قدرت هژمون، همانا حمایت از منافع ملی است

(عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۹۱). طبق این نظریه امروزه آمریکا قدرت هژمون دنیاست و براساس گفته جوزف نای «آمریکا ملزم به رهبری دنیاست» (همان، ۹۵). و باید ثبات سیستم را حفظ کند. ازسوی دیگر این قدرت با تهدیدات استراتژیک مختلفی مواجه است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و موج اسلام خواهی در سراسر دنیا به خصوص در غرب، آمریکا نفوذ و گستره قدرت جهانی خود را در مخاطره احساس کرد و در اوایل دهه ۱۳۸۰ هـ ش غرب به رهبری آمریکا موجی از جنگ روانی به راه انداخت؛ اندیشکده‌های غربی هشدار دادند که اگر مراقبت نکنیم، تا هفده سال آینده اسلام دین اکثریت مردم جهان خواهد شد. بدنبال بزرگ‌نمایی‌های مجازی توهین و تحقیر مقدسات اسلامی در کشورهای اروپایی در دستور کار قرار گرفت و از قالب‌های متنوع رسانه‌ای برای این هدف استفاده کرد. انتشار زنجیره‌ای کاریکاتورهای توهین آمیز از شخصیت‌های اسلامی مانند پیامبر اسلام ﷺ در رسانه‌هایی چون هفته نامه فرانسوی شارلی ابدو، روزنامه «یولاندبوستن» دانمارک در سال ۲۰۰۵ م و ساخت فیلم و انیمیشن (مانند معصومیت مسلمانان در سال ۱۳۹۱ هـ ش ... نمونه‌ای از رویکرد اسلام ستیزی غرب هستند. با توجه به این که توهین به مقدسات اسلامی برای غرب و آمریکا دستاورد قابل توجهی نداشت، توطئه‌ای یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ م (شهریور ۱۳۸۰) را رقم زد و چهار هواپیمای مسافربری آمریکا ربوده می‌شوند که دو مورد از این هواپیماها به دو آسمان خراش تجارت جهانی و یک مورد به پنتاگون برخورد می‌کنند (حسین باقری و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۸).

طبق نقل خبرگزاری مهر از پایگاه خبری فدرال جک بوش این انفجارها را شروع جنگ‌های صلیبی جدید دانست و ابتدا افغانستان و سپس عراق را به تصرف خود در آورد. ژنرال «وسلی کلارک» که از نظامیان ارشد آمریکایی است اظهار داشت که بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر، هدف آمریکا ساقط کردن کشورهای عراق، ایران، سوریه، لبنان، سومالی، لیبی و سودان در خاورمیانه بوده است؛ او در ادامه تأکید کرد که بحث نفت دلیل اصلی حضور قدرت‌های جهانی در خاورمیانه است (خبرگزاری، مهر، ۱۳۹۳، ۳۲۱۱۶۴). رابرت بایر در کتابش با عنوان خوابیدن با شیطان، روابط تو در تو آل سعود بادولت‌مردان آمریکا را شرح داده است و حاکمان آمریکا را اسیر دست ثروت‌های نفتی آل سعود به حساب آورده و در ضمن اشاره به مرادفات بندر بن

سلطان با کاخ سفید کرده می‌گوید: «در حالیکه جاسوسان کشور، ماه‌ها باید صبر می‌کردند تا یک دیدار خصوصی داشته باشند. همه کاری که بندر بن سلطان برای دیدار با رئیس جمهور انجام می‌داد، این بود که درخواستی فوری ارائه می‌کرد (رابرت بایر، «خوایدن با شیطان (کاخ سفید و طلای سیاه) خبرگزاری العالم، ۲۰۰۳، ۱۴»).

غرب برای مهار اسلام‌گرایی بر جریان‌های تکفیری تمرکز کرد؛ البته آمریکا از قبل در گروه‌های القاعده و طالبان نفوذ کرده بود و این مسئله را اسامه بن لادن درباره علت مهاجرت خود به سودان می‌گوید: «آن هنگام من در محافل مجاهدان فرد شناخته شده‌ای بودم با شهادت عبدالله عزام به دست سازمان اطلاعات آمریکا من احساس خطر می‌کردم ... که همگام با آغاز عقب‌نشینی شوروی از افغانستان، سازمان اطلاعات آمریکا، عربستان سعودی و مصر به ما پشت کرده و برای نابودی ما باهم همدست شده‌اند تا با وجود اسنادی که ما از ایشان در اختیار داریم و حاکی از همدستی ما با آن‌ها و آن‌ها با ما بود به خطری برای آن‌ها تبدیل نشویم» (باقری و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶).

۳. عربستان و گسترش تروریسم تکفیری

طبق تحلیل الوقت (News > alwaght.com)، از زمان تأسیس عربستان سعودی، آل سعود نقشی اساسی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و گسترش آن‌ها داشته است. عربستان سعودی از نزدیکی آمریکا با گروه طالبان استفاده کرد و مبالغ میلیاردی هزینه کرد تا افکاری را گسترش دهد که زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در آینده گردد. فعالیت‌های بندر بن سلطان و عربستان، با وقایع ۱۱ سپتامبر به اوج رسید. براساس پژوهش‌های انجام شده، رابطه مسئولان عربستان سعودی با القاعده و طالبان بسیار عمیق بوده است به طوری که از ۱۹ تروریستی که عملیات ۱۱ سپتامبر را انجام دادند، ۱۵ تن سعودی بودند. براساس این تحلیل، صادرات تروریسم توسط عربستان بعد از صادرات نفت، دومین فعالیت صادرات است. عربستان یکی از بزرگ‌ترین حامیان و پرورش‌دهندگان تفکرات تروریستی در جهان با توجه به فعالیت‌های این کشور در عرصه داخلی و خارجی نشان می‌دهد که عمده تروریست‌های

منطقه‌ای و جهانی اصالتی سعودی دارند و یا تحت تاثیر گرایش‌های وهابی عربستان قرار گرفته و یا این که از سوی این کشور مورد حمایت و تغذیه مالی و تسلیحاتی قرار می‌گیرند. حمایت‌های رژیم سعودی از سازمان‌های تروریستی در منطقه راهبرد آمریکا و صهیونیست‌ها و کشورهای اروپایی در منطقه است. از سوی ترویج ادعای ام‌القرای جهان اسلام برای عربستان، موجب شده که غربی‌ها از این تقارن استفاده کرده و مفهوم تروریسم را در کنار اسلام قرار دهد و از این تقارن برای اسلام ستیزی در کشورهای اروپایی و غربی استفاده نماید. با آغاز و تشدید موج بیداری اسلامی در منطقه، تحرکات جریان‌های وهابی و تکفیری در کشورهای اسلامی که برای ایجاد انحراف در این روند از سوی غرب طراحی شده بود، تشدید شد، در این عرصه روند خشونت‌هایی که به ظاهر تحت پوسته پوشالی مذهب افراطی و بدون محتوای وهابیت در کشورهای اسلامی انجام می‌شد، به شدت روبه فزونی گذاشت، در جریان چنین اوضاعی بود که بسیاری از مردم و شهروندان بی‌گناه به ویژه در سوریه، یمن، عراق و افغانستان به فجیع‌ترین صورت به دست عوامل تروریستی و تکفیری‌هایی که کشتار شیعیان و سایر مذاهب غیر وهابی را باعث به بهشت رفتن خود می‌دانستند، به قتل رسیدند در عربستان، دستگاه حکومتی سعودی‌ها یا همان نهاد سلطنت و سازمان وهابیت، دو حلقه یک زنجیرند. آل سعود از زمان محمدبن سعود، پیوندی بنیادین با محمدبن عبدالوهاب برقرار کرد. آل شیخ، یعنی فرزندان محمدبن عبدالوهاب، در حال حاضر اداره امور دینی عربستان سعودی را در اختیار دارند. پیوند با قدرت، زمینه بروز و ظهور رویکرد تکفیری را در عربستان به وجود آورد و بعدها با گسترش روابط سعودی‌ها با غرب، زمینه استفاده از این مشی فکری خطرناک را در راستای تحقق اهداف استعمار فراهم کرد. سعودی‌ها، به ویژه در پنجاه سال اخیر تلاش بسیاری برای گسترش نفوذ خود از طریق انتشار افکار وهابیت کرده‌اند. زمانی که سیدقطب در مصر اعدام شد، تلاش زیادی کردند تا با جذب برادرش، سلفی‌گری در مصر را به سمت خودشان بکشانند و در حقیقت مشی آنها را از جهادی به تکفیری تغییر دهند، اما او قبول نکرد. با این حال اشغال افغانستان توسط شوروی سابق زمینه تازه‌ای را برای فعالیت سعودی‌ها به وجود آورد. سعودی‌ها، به پشتیبانی از گروه‌های تندرو در جهان به ویژه در خاورمیانه اعم از داعش ادامه دادند و شکل‌گیری این گروه،

نتیجه انتشار اندیشه‌های رادیکالی از سوی عربستان بود.

نقشه عربستان ادامه یافت و بندر بن سلطان، نقشی اساسی در اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ ایفا کرد. حمله به عراق، زمینه شکل‌گیری گروه تروریستی داعش را در مراحل نخست آن فراهم کرد و عربستان به پشتیبانی از این گروه و دیگر گروه‌های تروریستی ادامه داد تا جایی که شمار تروریست‌های سعودی کشته شده در عراق از ۲۰۰۳ تاکنون به دو هزار تن رسید. سوریه، شاخص‌ترین منزلگاه حمایت عربستان از تروریسم تبدیل شده است. بندر بن سلطان وعده داده بود خاورمیانه را در خون غرق سازد و به همین منظور، پایتخت‌های جهان را به منظور همراه کردن کشورها با نقشه‌های ویرانگرانه می‌گشت و سرانجام توانست به هدف خود برسد و سوریه و منطقه را در خون غرق سازد. جو بایدن معاون رئیس جمهوری آمریکا گفت: مشکل ما، هم پیمانانمان در منطقه است. سعودی‌ها و اماراتی‌ها و دیگران، مصمم بودند که جنگ‌هایی نیابتی میان شیعه و سنی در منطقه برافروزند و میلیون‌ها دلار و چندین تن سلاح در اختیار کسانی قرار دادند که عضو جبهه النصره، سازمان القاعده و دیگر گروه‌های تندرو بودند. عربستان پس از عراق و سوریه، رو به سوی یمن کرد، کشوری که القاعده و داعش، بر مناطق گسترده‌ای از جنوب آن چیره‌اند و عربستان به تسلط آنان بر این مناطق کمک می‌کند، به این ترتیب و در حالی که آل سعود ادعای مبارزه با تروریسم دارد، حتی یک بمب هم در مناطقی که این دو گروه بر آن تسلط دارند، نینداخته است (همان و news > www.iribnews.ir).

۴. حضور آمریکا در منطقه

یکی از مهم‌ترین عامل رشد و گسترش و قدرت‌یابی جریان‌های تکفیری، حضور نظامیان و پایگاه‌های آمریکا در منطقه است. طبق اندیشه سید قطب، همه مشکلات ما از جاهلیت قرن بیستم است و جاهلیت قرن بیستم چیزی به غیر از فرهنگ غرب و دموکراسی و او مانع نیست. آمریکا مدت طولانی است که با تمام توان وارد منطقه شده است تا فرهنگ جاهلیت و غرب را در منطقه نهادینه کند (حیدری، شماره ۵۰، ۱۳۸۹: ۸۴). حضور آمریکا در افغانستان باعث شد که بسیاری از جوانان جماعه التبلیغ که به تبلیغ مذهب دیوبندی مشغول بودند و

کاری به سیاست نداشتند، جذب گروه‌های تکفیری شده و احساس کنند امروز دیگر با تبلیغ نمی‌توان جهان اسلام را از ورطه سقوط نجات داد، لذا به جریان‌های تکفیری پیوسته و موجب تقویت این جریان‌ها شدند. سقوط مرسی از حکومت در مصر باعث گردید که گروه‌های جهادی عزم خود را بیش‌تر جزم کرده و تصور کنند تن‌ها راه باقیمانده برای احقاق حق خود، فقط جهاد و مبارزه مسلحانه است. یقیناً سقوط مرسی به گسترش افکار سلفیه (Salafism thoughts). و گروه‌های تکفیری کمک خواهد کرد. اگر این اتفاقات در کشورهای دیگر مثل تونس و لیبی هم بیفتد و افراد سکولار در رأس امور قرار گیرند، یقیناً به قدرت یابی جریان‌های سلفی کمک خواهد کرد (موسوی ۱۳۹۱: ۱۳۱). مسئله سوریه از دیگر اموری است که باعث گسترش تفکر تکفیری‌ها گردید. با فتواهای جهاد از سوی افرادی مثل دکتر یوسف قرضاوی که به رهبر معنوی اخوان المسلمین یا فقیه اخوان معروف است، بسیاری از جوانان تند اخوانی و غیر اخوانی به سوریه رفته و جذب گروه‌های تکفیری در سوریه شدند و بعد از اختلاف داعش با جبهه النصره، عده‌ای از همین جوانان به داعش در عراق پیوستند و به جنگ مذهبی دامن زدند (روستایی، ۱۳۹۵: ۱۲).

اهداف تروریسم تکفیری

هدف از تروریسم به عنوان شکلی از جنگ روانی، ایجاد ترس و وحشت است. این خشونت به دنبال درهم شکستن روحیه مخالفان است و قربانیان مستقیم، ابزاری برای ارسال پیام هستند. همچنین هدف هدایت مخاطبان را برای پذیرش یک رشته اعمال متفاوت دنبال می‌کند که این مخاطبان می‌توانند سیاستمداران، مقامات حکومت، حامیان حکومت، مخالفان حکومت و در صورتی که دولت حامی تروریسم باشد، اعضای یک قوم یا گروه‌های مذهبی و... باشند.^۴ از این رو تروریسم تکفیری با پشتوانه‌های استکبار جهانی و حمایت فکری و مالی عربستان سعودی به عنوان یک چالش مهم برای امنیت جهانی به خصوص امنیت جهان اسلام مطرح است و اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین اهداف تروریسم تکفیری در گفتارهای ذیل بیان می‌شود.

اسلام‌هراسی

واژه اسلام‌هراسی یا (Islam phobia) مفهومی است که به پیش‌داوری و هراس و تبعیض غیره منطقی بر ضد اسلام و مسلمانان، به‌کار رفته است. این مفهوم از اصطلاحات جدیدی است که در دهه هشتاد میلادی نسبتاً رواج یافته است. به‌عبارت دیگر اسلام‌هراسی در خود این مفهوم را به همراه دارد که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با فرهنگ غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد و بیش‌تر یک ایدئولوژی است تا یک دین باشد. اسلام‌هراسی واژه‌های جدید است البته پیشینه تاریخی دارد و در ادبیات سیاسی - مذهبی معاصر، توصیف‌کننده ذهنیت و نشأت گرفته از دیدگاه و مواضع جهان غرب نسبت به اسلام و جوامع اسلامی است. اسلام‌هراسی پدیده‌ای است که به‌طور سازمان‌یافته از سوی بخشی از محافل تصمیم‌گیری سیاسی - فرهنگی در غرب برای مقابله با اسلام طراحی شده است و با استفاده از ابزار رسانه‌های اشکال‌گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می‌شود. این محافل طیف وسیعی از شخصیت‌های تندروی سیاسی، نخبگان فکری و دانشگاهی متعصب، مدیران و سردبیران و تحلیلگران رسانه‌های جمعی در غرب را شامل می‌شود (حسن‌خانی، شماره ۳، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۵). یکی از اهداف گروه‌های تکفیری در خاورمیانه طی چند سال گذشته (که به اعتراف وزیر پیشین خارجه آمریکا با همکاری دستگاه‌های جاسوسی غربی شکل گرفته‌اند) دامن زدن به موج اسلام‌هراسی است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در غرب شدت گرفت (basirat.ir). آیت‌الله سبحانی می‌گوید: هدف تروریسم تکفیری تکمیل پروژه اسلام‌هراسی است (روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۳).

طبق باور «جان ففر» نویسنده کتاب «جنگ صلیبی ۲» اسلام ستیزی در غرب ناشی از قدرت گرفتن کشورهای اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی است. وی در کتاب خود می‌نویسد: هیچ امریکایی‌ای در سال ۲۰۱۱ توسط اسلام‌مگرایان افراطی کشته نشد. پس چرا این همه بر اسلام‌هراسی تاکید می‌شود؟ جان ففر معتقد است که اسلام‌هراسی توسط سیاست خارجی آمریکا همزمان با افزایش تأثیر اسلام مدرن در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی تقویت می‌شود. دشمن تراشی و ایجاد دشمن فرضی یکی از لازمه‌های تعقیب استراتژی توسعه طلبانه غرب و به‌ویژه آمریکا است. استراتژی دشمن‌سازی آمریکا با دیدگاه اندیشمندانی مانند ماکیاولی و اشتراوس

مطابقت دارد که معتقدند اگر تهدید خارجی وجود نداشته باشد، باید آن را ساخت. بنابراین «منافع» می‌توانند تبیین گراتخاذ یا عدم اتخاذ سیاست‌های مختلف از سوی کشورها باشند. قدرت‌های بزرگ مانند امریکا همواره در فرایند سلطه‌گری خود به سلسله ارزش‌های مورد قبول در سطح جهانی نیاز دارند که به کمک آن‌ها بتوانند پیگیری منافع خود را کتمان یا توجیه نمایند. با فروپاشی بلوک شرق، به دشمن جدیدی نیاز بود که با ارزش‌ها و باورهای مورد حمایت این کشور، در تعارض باشد و اجرای برنامه‌های سیاست خارجی اش را تسهیل کند. از این رو مقوله تروریسم و پردازش آن در جهت منافع امریکا ظهور و بروز کرد. از سوی دیگر اهمیت اقتصادی و نظامی خاورمیانه باعث شد امریکا که به این منطقه استراتژیک توجه خاصی دارد، طرحی را پیاده کند که حضور خود را در این منطقه توجیه و تثبیت کند، معرفی پدیده اسلام‌هراسی از جمله این سیاست‌های امریکا بود. در اجرای سیاست اسلام‌هراسی، مسلمانان به عنوان چهره‌های تروریستی معرفی شده‌اند که برای تثبیت موقعیت خود حاضرند به هر کاری دست بزنند، درحالی‌که آنان که دین اسلام را می‌شناسند، می‌دانند که اسلام از همان زمان که پا به عرصه وجود گذاشت، مبارزه با تروریسم را در برنامه‌های خود گنجانده و در آن زمان، که خشونت حرف اول را در جهان می‌زد، اسلام ارزشی والا برای جان، مال و آبروی انسان‌ها قایل بود (www.irinn.ir).

خشن نشان دادن چهره اسلام و مسلمانان

طبق تحلیل و برداشت کارشناسان، حوادث ۱۱ سپتامبر، در واقع آغاز موج حملات علیه اسلام و آموزه‌های آن در و همه جهان بود. در این تهاجم گسترده غرب به بهانه مبارزه با تروریسم، اسلام را مورد هجمه قرار داد. وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، انفجار ایستگاه مرکز قطار مادرید در مارس سال ۲۰۰۴ و انفجار بمب در ایستگاه متروی لندن در ۲۰۰۵ به سرعت به مسلمانان نسبت داده شد و نماد رفتار و فرهنگ مسلمانان معرفی شد. در حالی‌که در بسیاری از این حوادث مسلمانان نقشی نداشتند. گاریکائی چنگو" از پژوهشگران دانشگاه هاروارد در یکی از مقالات خود به این واقعیت اشاره کرده: گزارش‌های پلیس فدرال امریکا نشان می‌دهد تن‌ها ۶ درصد از حملات تروریستی انجام شده در خاک امریکا توسط مسلمانان بوده است. این در حالی است که

مسلمانان که فقط ۱ درصد از جمعیت کل کشور آمریکا را تشکیل می‌دهند، قربانیان ۱۳ درصد از اقدامات تبهکارانه‌ای هستند که از سوی سایرین و با انگیزه‌های "اسلام ستیزانه" انجام می‌شوند. آشکار است که مسلمانان در داخل و خارج آمریکا قربانیان اصلی اقدامات تروریستی هستند. با این وجود رسانه‌های غربی تن‌ها علاقه دارند قربانیان غربی را بعنوان کشته شدگان اصلی حوادث تروریستی معرفی نمایند. در طول این دوران موج جریان‌های ضد مسلمانان در جوامع غربی مانند سایر جریان‌ات بیگانه ستیز و نژاد پرستانه، رنگ و بوی خشونت به خود گرفت. به ویژه روزهای پس از حوادث یازدهم سپتامبر صدها عمل جنایتکارانه علیه مسلمانان، مساجد و اماکن متعلق به مسلمانان صورت گرفت. شدت این اقدامات خشونت بار در مواردی حتی به کشته شدن مسلمانان در جوامع غربی منجر شد. این احساسات ضد اسلامی تن‌ها محدود به سطح جوامع غربی نبوده بلکه در سخنان و مواضع مسئولان سیاسی و رهبران مذهبی آن‌ها، فیلم‌ها و کتب و مطبوعات این جوامع نیز انعکاس داشته است (www.irinn.ir).

باتوجه به این‌که شهروندان کشورهایمانند عربستان سعودی که در به وجود آوردن گروه‌ها تروریستی تکفیری نقشی کلیدی داشته اند نیز از پیامدهای منفی این رفتارها بی بهره نمانند؛ گرچه ریاض می‌کوشد تا حد ممکن برای کنترل افکار عمومی داخلی و حفظ وجهه خارجی با سکوت از کنار این آثار ناگوار بگذرد. چنان‌که نقل شده است: «ناهی‌المانع» دانشجوی دوره دکترا در رشته علوم زیستی که همراه برادر خود در انگلیس زندگی می‌کرد، تبعه عربستان سعودی بود و ۳۱ سال داشت. به نوشته سایت اینترنتی دانشگاه اسکس، دوره تحصیلی او برای آموزش زبان انگلیسی در شهریورماه به پایان می‌رسید. کشته شدن النامع با چاقو و حمله به او در یک مکان عمومی در روز روشن، یادآور حوادث مشابه برای بانوانی است که به سبب داشتن پوشش اسلامی، از دیگر افراد قابل تشخیص هستند. یکی از جنجال برانگیزترین موارد از این دست رفتارها دهم تیرماه ۱۳۸۸ برای «مروه شربینی» یکی از ساکنان مصری تبار آلمان، رخ داد که طی آن شربینی در دادگاه رسیدگی به شکایت خود از یک مرد توهین کننده به حجابش، با ضربات چاقو کشته شد. از این رو، انتشار تصاویر تازه از دانشجوی محجبه دانشگاه اسکس که با وارد شدن ضربات چاقو از پشت سر کشته شد، نشانه‌ای از تشدید صدای زنگ خطر اسلام ستیزی

در قلب اروپا است. در این مورد نیز آنگونه که سایت شبکه خبری «پرس تی. وی» به نقل از روزنامه آمریکایی «هافینگتون پست» نوشت، پلیس احتمال می‌دهد ناهید به دلیل پوشش اسلامی خود که یک لباس تیره بلند و روسری بود، مورد حمله قرار گرفته باشد. روزنامه «دیلی میل» نیز از جستجوی پلیس برای یافتن مردی سفیدپوست و لاغراندام با ۱۹ تا ۲۳ سال سن، موهایی مشکی و مرتب و بارانی بژ رنگ خبر داد که در تصاویر ضبط شده، پشت سر مقتول دیده می‌شود. با این همه، تاکنون تلاش‌ها بی نتیجه مانده است. از شاهدان و حاضران در صحنه درخواست شده است اطلاعات خود درباره این حادثه را گزارش کنند. روزنامه تلگراف نیز با اشاره به اینکه قتل در مکان پر رفت و آمد «سالری بروک تریل» رخ داده است، به نقل از پلیس این اقدام را وحشیانه، بی شرمانه، بی باکانه و دیوانه وار توصیف کرد که به احتمال زیاد با انگیزه‌های مذهبی صورت گرفته است. «میدل ایست مانیتور» که مرکز آن در لندن است، نوشت: این حمله نشانه روشنی از گسترش اسلام هراسی (اسلاموفوبیا) در انگلیس است. برخی رسانه‌های عربی قتل ناهید را در ادامه افزایش احساس ضد اسلامی در انگلیس ارزیابی می‌کنند و شماری دیگر بر این باورند که موضع‌گیری‌های منفی و فراوان دولت انگلیس درباره خاورمیانه و اسلام سبب افزایش اسلام ستیزی و حمله به مسلمانان شده است (basirat.ir).

بنابراین اقدامات خشونت باری مانند بمب گذاری‌ها، قتل‌ها، انتحاری‌ها، جنایت‌های که به نام اسلام و مسلمانان در جهان انجام می‌شود در واقع از پروژه‌های اسلام هراسی و اسلام ستیزی است. استفاده‌های تبلیغاتی از جنایات گروه‌های تروریستی تکفیری بنام مسلمانان در مناطقی همانند افغانستان، سوریه، عراق و سایر کشورهای اسلامی در رسانه‌های بین‌المللی به عنوان معرفی اسلام و مسلمانان، در واقع نشان دادن چهره خشن از اسلام و مسلمانان در جهت پروژه اسلام هراسی می‌باشد.

اسلام زدایی

دنیای غرب و استکبار جهانی با حمایت از گروه‌های تروریستی تکفیری در پی اسلام زدایی است. طبق باوری عبدالقیوم شکاری از دانشمندان اهل سنت، غرب که اسلام را به عنوان یک

تهدید در برابر مظاهر تمدنی خود، حساب می‌کند از دوران قدیم در رویکردی حذفی نسبت به اسلام داشته است. گاهی با لشکر کشی و تهاجم نظامی مانند جنگ‌های صلیبی را به راه انداخت که در فرایند آن مسیحیت با تحریک و تجهیز از طرف یهودیان، تلاش کرد تمدن اسلامی را قبل از گسترش آن به مناطق دیگر از بین ببرد. تلاش‌های انجام شده در این مرحله با پایداری و ایمان بالای سپاه اسلام به نتیجه خاصی منجر نشد و نهایتاً تمدن اسلامی به یکی از قطب‌های قدرت در نظام بین‌الملل تبدیل گشت. مرحله دوم تلاش‌های غرب در برابر اسلام با محوریت هویت زدایی از اسلام است. در این مرحله غربی‌ها پس از آن که از ناپود و محو کردن اسلام نا امید شدند، تلاش‌های خود را در جهت تغییر هویت اسلام قرار دادند. هدف اصلی این تلاش‌ها این بود که از اسلام تن‌ها نامی باقی بماند و هویت فکری و فرهنگی آن مسخ گردد. در این مرحله دو رویکرد ظاهراً متفاوت اما کاملاً همسو در صدد به حاشیه بردن دیدگاه اصیل اسلام مطرح شد. رویکرد نخست اسلام لیبرال و رویکرد دوم اسلام افراطی مانند القاعده، داعش و... است. طبق نظری این استاد دانشگاه اهل سنت:

غربی‌ها در حالی که تلاش می‌کنند به مسلمانان ساکن بلاد غربی آموزه‌ای مسخ شده از اعتقادات دینی خود ارائه نمایند، بصورت همزمان با ایجاد و گسترش گروه‌های افراطی در کشورهای اسلامی آتش جنگ و چند دستگی فکری و اعتقادی را در دنیای اسلام شعله ور می‌نمایند... تفکرات تند و خشن گروه‌هایی مثل داعش بهترین زمینه ممکن برای تخریب چهره اسلام در نزد افکار عمومی است. رسانه‌های غربی در چند سال گذشته با تمرکز معنادار رسانه‌ای بر اقدامات خشن و غیر انسانی داعش، تلاش داشته‌اند این برداشت را به اذهان مخاطبان خود منتقل نمایند که اعضای این گروه در حال اجرای دستورات اسلامی در مناطق تحت کنترل خود هستند (عبدالقیوم شکاری،: www.asasnews.com).

در این زمینه اصولی مثل جهاد به عنوان یکی از پایه‌های مهم فکری و اجتماعی دین اسلام، به عنوان مظهر قتل، غارت و خشونت معرفی شده و با رویکرد تکفیر تنگ نظرانه شکاف‌های نهفته درون جامعه اسلامی تقویت شده است. در این میان اسلام اصیل مظلوم ترین بخش جامعه اسلامی بوده‌است. بدون شک اسلام اصیل و باورهای جاری در میان

اکثریت مسلمانان نه لیبرال است و نه معتقد به برداشت‌های متحجرانه داعشی‌ها است. در اسلام اصیل بر این نکته تأکید می‌گردد که مسلمانان باید با رعایت احترام دیگران و اعتدال به بیان و نشر اعتقادات خود بپردازند. جنبه‌های رحمانی دین اسلام و سنت حسنه رسول خدا ﷺ در این زمینه مورد تأکید است. در اسلام اصیل مهم‌ترین وجه مشخصه یک مسلمان رافت و مهربانی اوست (همان)؛ همچنین عباس کیفی بجستانی استاد دانشگاه اهداف تشکیل گروهک تروریستی تکفیری را اسلامی زدایی دانسته و می‌گوید: گروهک تروریستی و تکفیری داعش با حمایت استکبار و برخی کشورهای عربی، با اهداف اسلام زدایی و شیعه‌هراسی در کشورهای منطقه تشکیل شده است (www.dana.ir > news).

نتیجه

تروریسم تکفیری عده‌ای از مسلمانانی است که به خاطر اعتقاد به سیره و اندیشه سلف و با استفاده از حربه تکفیر اقدام به قتل و کشتن مسلمانان بی‌گناه، تخریب منازل، مکان‌های مقدس و آثار فرهنگی و تاریخی با انجام انواع بمبگذاری‌ها و عملیات انتحاری در کشورهای اسلامی، می‌کنند و امروزه به صورت یک چالش مهم و مشکل اساسی در جهان اسلام تبدیل شده و باعث ایجاد خسارات جبران‌ناپذیر مادی، فرهنگی و معنوی برای جهان اسلام و جامعه بشری شده است.

از جمله ریشه‌های تروریسم تکفیری تعصبات کورکورانه مذهبی و برتری دینی و مسئله سیاسی و استعمار است. در سال ۱۷۱۰ م، انگلس تعداد ۱۰ نفر از بهترین جاسوسان تربیت شده خود را به مصر، عراق، ایران، عربستان و ترکیه جهت رسیدن به اهداف استعماری اعزام کرد. از جمله مستر همفر به آستانه (ترکیه امروزی و دولت عثمانی آن زمان) اعزام شد و در آنجا بنام محمد با عالمی مسن از اهل سنت حنفی مذهب آشنا شده و نزد وی در مدت ۲ سال با زبان‌های ترکی و عربی آشنا می‌شود و قرآن و بسیاری از تعلیمات دین اسلام را فرا می‌گیرد و پس از مدتی به لندن باز می‌گردد و با آموزش یک دوره ۶ ماهه و آگاهی از اسرار و نقاط ضعف و قوت اسلام و مسلمین این بار به بصره عراق اعزام می‌شود که با محمد بن عبدالوهاب مواجه می‌گردد و با تربیت و شستشوی مغزی او،

موفق به تأسیس مذهب و هابیت در راستای اهداف استعماری انگلس می‌شود. در طول تاریخ هیچ گروه و شخصی مانند محمد بن عبدالوهاب مسلمانان را تکفیر نکرده است.

یکی از ریشه‌های پیدایش اندیشه تکفیر، جهل و نادانی است. امروزه نیز یکی از علل تکفیر در میان پیروان برخی از مذاهب اسلامی، جهل از مبانی اسلام است. یکی از ریشه‌ها و عامل مهم بروز و ظهور تروریسم مسئله اقتصادی است. هر چند همه تروریست‌ها آدم‌های فقیری نبوده ولی معمولاً بیش‌ترین خشونت از سوی افرادی انجام می‌شود که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی چندان وضعیت مناسبی ندارند. وهابیت ریشه اعتقادی و بنیادین و مهم‌ترین ویژگی مشترک همه گروه‌های تروریستی و تکفیری است که امروزه در سوریه، پاکستان، افغانستان و دیگر نقاط جهان حملات تروریستی را اجرا می‌کنند. کتاب‌های دینی مدارس عربستان و مدارس دینی وابسته به رژیم سعودی در کشورهای دیگر، محتوا و مضامین خود را از کتاب معروف محمد بن عبدالوهاب مؤسس وهابیت به نام التوحید گرفته است. علل رشد و گسترش تروریسم تکفیری ظاهرگرایی و استفاده سوء از اعتقادات دینی است. ظاهرگرایی که توسط احمد بن حنبل شروع شد، سپس توسط اشاعره ادامه پیدا کرد و در قرن هشتم ابن تیمیه با اعتقادی انکار توسل، شفاعت و ... و تکفیر و آزار و اذیت مسلمانان ظاهر شد و در زمان‌های بعد از او پیروانش مانند محمد بن عبدالوهاب و علمای وهابی به انتشار عقاید او پرداختند. آمریکا نقش مهم در شکل‌گیری و گسترش تروریسم تکفیری داشته است. امروزه آمریکا قدرت هژمون دنیاست غرب برای مهار اسلام‌گرایی بر جریان‌های تکفیری تمرکز کرد.

از زمان تأسیس عربستان سعودی، آل سعود نقشی اساسی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و گسترش آن‌ها داشته است. عربستان سعودی از نزدیکی آمریکا با گروه طالبان استفاده کرد و مبالغه‌میلاردی هزینه کرد تا افکاری را گسترش دهد که زمینه ساز شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در آینده گردد. یکی از مهم‌ترین عامل رشد و گسترش و قدرت‌یابی جریان‌های تکفیری، حضور نظامیان و پایگاه‌های آمریکا در منطقه است. آمریکا مدت طولانی است که باتمام توان وارد منطقه شده است تا فرهنگ جاهلیت و غرب را در منطقه نهادینه کند. اهداف تروریسم تکفیری اسلام‌هراسی و اسلام‌زدایی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در سال ۱۹۷۳م تشکیل شد و به گروهک شباب محمد و یا جماعة صالح السریه مشهور است.
۲. رهبر گروه جماعة التکفیر و الهجرة.
۳. به گزارش فارس. گروه‌های سلفی و وهابی (طالبان) همین رویه را برای پیروان خود پیش گرفته و اسناد بهشت را در قبال کشتن دیگر مسلمانان به آن‌ها اعطا می‌کنند.
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911208000695#sthash.CBOeA1PI>
dpuf. و بر اساس گزارش خبری عرب تایمز، در میان کشفیات به دست آمده از اجساد برخی تروریست‌های تکفیری در سوریه پس از پاکسازی القصیر، علاوه بر بمب‌های دستی و خشاب‌ها و گلوله‌ها، به وفور قرص‌ها و داروهای تقویت جنسی نیز یافت شده که طبق اظهارات اسیران تکفیری، این قرص‌ها را برای ورود به کاخ‌های حوریان در بهشت آماده می‌کرده‌اند. طبق فتاوی‌ای مفتی‌های وهابی، هر کس برای جنگیدن با ارتش سوریه و حزب الله و به نیت سرنگونی بشار اسد به سوریه برود، پس از کشته شدن، مستقیماً وارد بهشت و آغوش حوریان می‌شود! به نقل از: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/22091>.
۴. مهدی بیزنی، بررسی علل بروز تروریسم در جغرافیای اسلام، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ۲، پیاپی ۶۶، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۱.

کتابنامه

- ابوالحسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- ابو محمد عسکر خانی، رژیم‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار مصر، ۱۳۸۳.
- أبو یوسف مدحت بن الحسن آل فزاج (گردآورنده)، فتاوی‌ الایمه النجدیه حول قضایا الأمه المصریه، مکتبه الرشد، ریاض، عربستان، ۱۴۲۷ق.
- ابوحامد غزالی، فیصل التفرقة بین الإسلام و الزندقه، بیروت، دار الحکمة، ۱۴۰۷هـ.ق.
- احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقص کلام الشیعه القدریه، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، بیروت، دارالنشر، ۱۴۰۶ق.
- احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، الرد علی البکری، تحقیق: محمد علی عجال، مکتبه الغرباء الأثریه، مدینه ۱۴۱۷ق.
- احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مجموع فتاوی و رسائل، مجمع ملک فهد، عربستان ۱۹۹۵م.
- احمد بن محمد بن خالد برفی، المحاسن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۳۰.
- ابن عثیمین، محمد صالح، مجموع فتاوی بن عثیمین، دارالوطن، عربستان ۱۴۱۳ق.
- احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، درء تعارض العقل والنقل، تحقیق محمد رشاد سالم، چاپ دوم: انتشارات جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، عربستان ۱۴۱۱ق.
- رابرت بلدسو بوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، مترجم: بهمن آقایی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ملکم شاو، حقوق بین‌الملل، مترجم: محمد حسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- علی اصغر رضوانی، تکفیر از دیدگاه علمای اسلام، به سفارش کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البت ع، ۱۳۹۳.
- جان ل اسپوزیتو، دایره المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه و تحقیق و تعلیق زیر نظر حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران، نشر کتاب جامع، ۱۳۸۸.
- جعفر سبحانی، ابحاث فی الملل و النحل، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق.

- حسن باقری، سعید علیشیری و مرتضی سالمی قمصری، توطئه ۱۱ سپتامبر، تهران، نشر نذیر، ۱۳۸۰.
- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷.
- رضا روستایی، بررسی نقش جاهلیت مدرن در پیدایش جریان‌های تکفیری (تروریسم)، همایش ملی «اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالش‌ها و بایسته‌ها» جامعه المصطفی العالمیه، بهمن ۱۳۹۵.
- سید مهدی علیزاده موسوی، جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۱.
- سید مهدی علی‌زاده موسوی، سلفی‌گری و وهابیت (مبانی اعتقادی)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، ۱۳۹۱.
- سید احمد رفعت، النبی المسلح، کانون الثانی، ۱۹۹۱م [بی‌جا].
- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بی‌جا، نشر افق فردا، بی‌جا، ۱۳۷۹.
- کاظم مدیر شانه‌چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- کریمی پاشاکی، سجاد و احمدی دهکاء، فربرز، جغرافیای ترور، تهدیدهای تروریستی در جهان معاصر، رشت، انتشارات بازرگان، ۱۳۹۱.
- محمدبن اسماعیل، الجامع السند الصحیح المختصر من امور رسول الله ﷺ و سنته و ایامه (صحیح بخاری) محقق: مصطفی دیب البغاء، بیروت، دارابن کثیر، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
- محمد حسن ربانی، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.
- محمد تقی فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی، تهران، نشر مشعر، 1383.
- محمدبن عبدالوهاب، کشف الشبهات، تحقیق: یاسر برهانی، طلعت مرزوق، اسکندریه، دارالایمان للطبع و النشر والتوزیع، بی‌تا.
- مجید صفاتاج، تکفیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۹۱.
- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، بیروت، دارالعلم، بی‌تا.
- محمد بن علوی مالکی، التحذیر من المجازفة بالتکفیر، دار القاضی عیاض للتراث، بی‌تا.
- محمد محمود المندلای، پدیده تروریسم در امتداد تاریخ، ترجمه محمد رضا میرزا خان، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰.
- محمدبن یعقوب کلینی، الروضه من الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1389ق

نوروز کارگری، درون مایه‌های تروریسم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
یوسف بحرانی، الحدائق الناصره فی احکام العتره الطاهر، نجف، دارالکتب الإسلامیه،
۱۳۷۸ق.

Al - Khattar, M. Aref, Religion and Terrorism: An interfaith perspective, Greenwood
Publishing Group, CA '2003'

.Mark Juergensmeyer, Religion in addressing the causes of ' Terrorism ,the club de
Madrid' 2005'

سایت‌ها

alwaght.com

www.avapress.com

www.asasnews.com

basirat.ir

www.dana.ir

<http://www.eghtesadrooz.com/fa/doc/news/31>

<http://www.farsnews.com/newstext>

<http://www.iribnews.ir>

www.irinn.ir:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/22091>.

http://www.ummah.net/Al_adaab/spy1-7.html

مجلات، روزنامه‌ها و خبرگزاریها

خبرگزاری، مهر، ۱۳۹۳، ۳۲۱۱۶۴.

رابرت بایر « خواییدن با شیطان (کاخ سفید و طلای سیاه) خبرگزاری العالم، ۲۰۰۳، ۱۴.

روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۳، شماره ۲۰۹۲۲.

سیامک باقری چوکامی، ارزش ضد امنیتی جریان سازی افراط و تکفیر با تأکید بر تنوری جنگ

تمدن‌ها، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دانشگاه امام حسین علیه السلام دانشکده امام هادی علیه السلام،

شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۳.

مجتبی مقصودی و شقایق حیدری، دگرگونی مفهوم تروریسم در هند، مجله اطلاعات سیاسی

- اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره هفتم و هشتم، ۱۳۸۸.

پیدایش، گسترش و اهداف تروریسم تکفیری □ ۶۱

محمدشریف حیدری، سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، مسلسل ۵۰، ۱۳۸۹.

محمد حسن خانی، اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی، فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره ۳، ۱۳۸۸.

مهدی بیزنی، بررسی علل بروز تروریسم در جغرافیای اسلام، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ۲، پیاپی ۶۶، تابستان ۱۳۹۵.

